

The Principle of "Nafy Sabil" in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Support of the Resistance Axis¹



Abolfazl Nourian¹ 

Ali Akbar Jahani² 

Mohammad Mahdi Zarei³ 

1. PhD Student in Fiqh and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author)
Alaviesayyedali110@gmail.com

2. Professor, Department of Fiqh and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
Ali85akbar@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Fiqh and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
m.zarei@umz.ac.ir

Abstract

The foreign policy of the Islamic Republic of Iran in supporting the Resistance Axis has always been the target of attacks from internal and external adversaries. The foundations and principles of Iran's foreign policy are derived from Islamic jurisprudential rules, among which the *Nafy Sabil* (Denial of Domination) principle is a key element. The content and implications of this principle, as discussed in the article, along with the statements of the Supreme Leader as the *Wali Faqih* and Islamic ruler, confirm that Iran's presence and comprehensive support for the Resistance Axis are not merely driven by emotions but rather constitute a religious duty. Numerous references made by the Supreme Leader, both directly and indirectly, to the *Nafy Sabil* principle in the context of

1. **Cite this article:** Nourian, A., Zarei, M.M., & Jahani, A. A. (2021). The principle of *Nafy Sabil* in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in support of the Resistance Axis. *Journal of Fiqh and Politics*, 2(4), 136–160. [In Persian].

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70885.1051>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

☐ **Received:** 2025/01/19 • **Accepted:** 2025/03/02 • **Published online:** 2025/03/12

supporting the Resistance Axis and combating the forces of disbelief and polytheism highlight its significance. Addressing these references is essential to dispel any doubts regarding Iran's chosen path in supporting the Resistance Axis. It is evident that Iran's foreign policy must continuously clarify its foundational principles to prevent skepticism among its domestic audience and to ensure steadfast support for the directives of the *Wali Faqih*. This study employs a descriptive-analytical approach, utilizing a comparative research method and a theoretical framework to analyze the data.

Keywords

Nafy Sabil Principle, Foreign Policy, Islamic Jurisprudence of International Relations, Islamic Republic of Iran.

مكانة قاعدة نفي السبيل في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية في دعم محور المقاومة^١



أبو الفضل نوريان^١ ID علي أكبر جهاني^٢ ID محمد مهدي زارعي^٣ ID

١. طالب الدكتوراه في الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران (الكاتب المسؤول).

Alaviesayyedali110@gmail.com

٢. أستاذ في قسم الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

Ali85akbar@yahoo.com

٣. أستاذ مشارك في قسم الفقه والقانون بجامعة مازندران، بابلسر، إيران.

m.zarei@umz.ac.ir

الملخص

لطالما تعرّضت السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية في دعمها لمحور المقاومة لهجمات من قبل الأعداء الداخليين والخارجيين. إنّ مبادئ وأسس السياسة الخارجية مستمدة من القواعد الفقهية، وتعدّ قاعدة نفي السبيل إحدى هذه القواعد الأساسية. إنّ محتوى القاعدة والنقاط المستنبطة منها، والتي تم ذكرها في المقالة، بالإضافة إلى تصريحات المرشد الأعلى للثورة الإسلامية باعتباره الولي الفقيه والحاكم الإسلامي، تؤكد أنّ حضور الجمهورية الإسلامية الإيرانية ودعمها الشامل لمحور المقاومة لم يكن مجرد حماس وعاطفة، بل هو واجب ديني. الإشارات المتعددة لسماحة قائد الثورة، سواء بشكل مباشر أو غير مباشر، إلى قاعدة نفي السبيل في سياق دعم محور

١. استناداً إلى المقالة: نوريان، أبو الفضل، جهاني، علي أكبر، زارعي، محمد مهدي. (١٤٠٠). مكانة قاعدة نفي السبيل في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية في دعم محور المقاومة، الفقه والسياسة، ٢(٤)، صص ١٣٦-١٦٠.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70885.1051>

□ التصنيف: علمية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي للحوزة العلمية في قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠١/١٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/٠٢ • تاريخ النشر الإلكتروني: ٢٠٢٥/٠٣/١٢

المقاومة ومحاربة جبهة الكفر والشرك، هي من القضايا التي يجب الانتباه إليها ، وذلك حتى لا يكون هناك أي شك أو تردد في المسار المتبع لدعم محور المقاومة. من الواضح (من البديهي) أنّ السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية تحتاج باستمرار إلى توضيح أسسها فيما يتعلق بأدائها على الساحة الدولية، بحيث لا يقع المتواجدون في الجبهة الداخلية في دائرة الشك، بل يظلون دوماً في صف الدفاع عن توجيهات وأوامر الولي الفقيه. في هذا البحث، تم استخدام منهج وصفي-تحليلي، مع نوعية بحث مقارن وأسلوب تحليل النظرية الأساسية لتحليل البيانات.

الكلمات المفتاحية

قاعدة نفي السبيل، السياسة الخارجية، فقه العلاقات الدولية، الجمهورية الإسلامية الإيرانية.

جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ایران در حمایت

از محور مقاومت^۱

ابوالفضل نوریان^۱ 
علی اکبر جهانی^۲ 
محمد مهدی زارعی^۳ 

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

Alaviesayyedali110@gmail.com

۲. استاد گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

Ali85akbar@yahoo.com

۳. دانشیار رشته فقه و حقوق دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

m.zarei@umz.ac.ir



چکیده

سیاست خارجی ج.ا.ایران در حمایت از محور مقاومت همواره از سوی دشمنان داخلی و خارجی مورد هجمه قرار گرفته است. مبانی و اصول سیاست خارجی، برگرفته از قواعد فقهی بوده که قاعده نفی سبیل یکی از این موارد است. مفاد قاعده و نکات قابل استنباط آن که در طی مسائلی در مقاله ذکر شده است، و همچنین سخنان مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و حاکم اسلامی، مؤید این مطلب است که حضور و حمایت همه جانبه ج.ا.ایران صرفاً براساس شور و احساسات نبوده، بلکه به عنوان یک وظیفه دینی مطرح شده است. استنادات متعدد رهبر انقلاب به صورت مستقیم و غیرمستقیم به قاعده نفی سبیل در حمایت از محور مقاومت و مبارزه با جبهه کفر و شرک، از جمله مسائلی بوده که می بایست مورد توجه قرار گیرد تا در مسیر اتخاذ شده در حمایت از محور مقاومت شک و تردیدی به وجود نیاید. بدیهی است سیاست خارجی ج.ا.ایران پیوسته نیاز به تبیین مبانی خود درباره عملکردش در عرصه بین الملل داشته تا افراد حاضر در جبهه

۱۴۰

فقه و سیاست

سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۴)

^۱ استناد به این مقاله: نوریان، ابوالفضل؛ جهانی، علی اکبر؛ زارعی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). جایگاه قاعده نفی سبیل در

سیاست خارجی ج.ا.ایران در حمایت از محور مقاومت، فقه و سیاست، ۲(۴)، صص ۱۳۶-۱۶۰.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70885.1051>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

داخلی نسبت به آن مردد نشده و پیوسته در این عرصه پشتیبان دستورات ولی فقیه خود باشند. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با نوع تحقیق تطبیقی و روش تحلیل نظریه مبنا برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها

قاعده نفی سبیل، سیاست خارجی، فقه روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران.

حکومت اسلامی همواره برای تحقق آرمان و اهداف متعالیه خود که از سوی خداوند متعال توسط حجج و رسولان خود مطرح کرده است، نیازمند برنامه‌ریزی جامع و کامل است. کلیات و چارچوب این برنامه باید به گونه‌ای باشد که جنبه‌های مختلف زندگی جامعه مسلمانان را در بر گرفته و نسبت به نیازها و چالش‌ها پاسخی شایسته و در عین حال مطابق با اصول عقلایی داشته باشد. تنوع قومیتی، دینی، مذهبی و آداب و رسوم کشورها و ملت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل، عاملی مهم برای حاکم و سیاستمداران جامعه اسلامی است که بتوانند سیاست‌های خود را به‌نحوی برنامه‌ریزی کنند که مصالح مسلمین در آن رعایت شده و بتواند در تحقق اهداف خود موفق باشند. فلذا مسائل فقه روابط بین‌الملل به قدری مهم و حائز اهمیت بوده که سیاست خارجی ج.ا.ایران وابسته به تبیین منطقی و واقعی این مسائل است تا رهبران و دولتمردان ایران در راستای تحقق اهداف و مصالح ملی و دینی خود موفق‌تر عمل کنند.

از جمله مسائلی که در فقه روابط بین‌الملل مورد بحث و تأمل است، نحوه همکاری و تعامل ج.ا.ایران با کشورهای مختلف است. قاعده نفی سیل به‌عنوان یکی از پایه‌ها و مبانی در دانش فقه روابط بین‌الملل نقش بسیار مهمی دارد که تبیین و بررسی در اتخاذ سیاست‌های صحیح و در درست در قبال کشورها را دارد.

آنچه که به‌عنوان دغدغه و مسئله این تحقیق مطرح است، تبیین جایگاه قاعده نفی سیل در فقه روابط بین‌الملل است؛ بدین معنا که در قراردادها، تعاملات و همکاری‌های ج.ا.ایران با کشورهای مختلف، طبق مبانی و اصول مطرح‌شده در فقه روابط بین‌الملل (که یکی از پایه‌های آن قاعده نفی سیل است) این همکاری‌ها و تعاملات را ایجاد یا قطع کند. این هدف در گرو تبیین نگاهی واقعی و منعطف به مبانی قاعده نفی سیل و مسائل روز بوده و هرگونه نگاه افراطی یا تفریطی می‌تواند نتایج جبران‌ناپذیری به جامعه اسلامی وارد کرده و معیشت مسلمین را تحت الشعاع خود قرار دهد.

سیاست خارجی ج.ا.ایران با بهره‌گیری از مبانی و اصول فقهی مهمی از جمله قاعده نفی سبیل در صدد حمایت از ملت‌های مسلمان منطقه بوده و هر جا ملتی تحت ظلم و ستم جبهه کفر قرار بگیرد، در صدد حمایت خواهد بود. با شروع انقلاب اسلامی فقها با بهره‌مندی از قواعد فقهیه (از جمله قاعده نفی سبیل) در صدد تدوین سیاست خارجی ج.ا.ایران بوده‌اند و بر اساس همین سیاست، نزدیک به چهار دهه است که به حمایت از جبهه مقاومت پرداخته و این مسئله را یکی از اهداف و وظایف دینی خود قلمداد کرده‌اند.

اهمیت و ضرورت

حمایت و همراهی در سیاست خارجی ج.ا.ایران توسط مردم در گرو تبیین مبانی و اصول آن بوده که این امر بر عهده اندیشمندان است. این مسئله تحت عنوان جهاد تبیین پیوسته از سوی رهبر انقلاب مورد تأکید بوده و قشر نجبگان را نسبت به این مسئله مسئول دانسته‌اند. شبهات و اشکالاتی که نسبت به سیاست خارجی ج.ا.ایران نسبت به محور مقاومت طرح شده ناشی از جهل به مبانی این سیاست‌ها بوده که نویسنده را بر آن داشته است تا بررسی مبانی و اصول فقهی سیاست خارجی ج.ا.ایران گوشه‌ای از این امر مهم را به مرحله عمل رسانده باشد.

اهداف: هدف پژوهش حاضر تبیین جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ایران بوده تا در پرتو این تبیین، سوالات و شبهاتی که پیرامون حمایت ج.ا.ایران در محور مقاومت می‌شود، پاسخی شایسته و براساس متون و مبانی فقهی داده شود. این مسئله در گرو تبیین مبانی قاعده نفی سبیل و بررسی سخنان رهبر انقلاب به عنوان حاکم جامعه اسلامی است.

سؤالات تحقیق

اصلی:

جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ایران در حمایت از محور مقاومت

چگونه است؟

فرعی:

کاربست قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ایران چگونه است؟
سیاست خارجی ج.ا.ایران چه تأثیراتی از قاعده نفی سبیل گرفته است؟
روش: رویکرد نویسنده توصیفی-تحلیلی، نوع تطبیقی، و روش گردآوری داده‌ها اسنادی است. همچنین از روش تحلیل نظریه مبنا برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. بر این اساس، طراحی و کاربست چارچوب تحلیلی دارای اهمیت ویژه‌ای است که در بخش مبانی نظری پژوهش حاضر به آن به صورت مجزا پرداخته شده است.

۱. پیشینه تحقیق**۱-۱. ادبیات پژوهش پیرامون قاعده نفی سبیل**

کرمزاده و فیض (۱۳۹۸) در این مقاله به معرفی کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم پرداخته و مستندات و ادله مخالفان و موافقان نسبت به این کنوانسیون را مطرح و نقد و بررسی می‌کنند. نکته جالب و قابل توجه در استدلال‌ات این دو گروه، استنادات آنها به قاعده نفی سبیل است که هر یک این قاعده را بر مدعای خود مطرح و مدلل می‌کنند. خلاصه این ادله‌ها به این بیان است که مخالفان الحاق، کنوانسیون مذکور را مصداق سلطه کفار و مشرکان بر مسلمین تعریف می‌کنند، در حالی که مخالفان بحث را به منزله سالبه بانتفای موضوع تصویر کرده‌اند و موضوع سلطه را منتفی می‌دانند و هیچ گونه ربطی بین الحاق به کنوانسیون مذکور و قاعده نفی سبیل نمی‌بینند.

فرهنگ دلیر (۱۳۹۷) در این مقاله پس از نقد و بررسی ادله و مفاد و نحوه دلالت مستندات این قاعده به صورت مختصر به بررسی و تبیین یکی از مصادیق آن (مبارزه با قاچاق کالا و ارز) پرداخته است. به بیان دیگر، وقتی این قاعده قابلیت تطبیق بر مصادیق مختلفی از جمله موضوع مورد بحث را دارد، نویسنده را بر آن داشته است که به بررسی مباحث مفهومی و آسیب‌هایی بپردازد که امر قاچاق بر پیکره اقتصاد جامعه اسلامی وارد می‌کند. تلاش نویسنده در تحقق هدف مذکور قابل ستایش بوده و به خوبی از عهده تطبیق قاعده بر موضوع برآمده است.

حسینی و ناظری (۱۳۹۵) با رویکردی فقهی و به صورت تخصصی به بررسی مباحث مفهومی، ادله و مستندات قاعده نفی سبیل می‌پردازند. در واقع تأکید نویسندگان بر مباحث مفهومی صرفاً درصدد تعیین حوزه دلالت قاعده مذکور بوده و سعی دارد الگو و چارچوبی مشخص نسبت به قاعده نفی سبیل مطرح کند. مجموع مطالب مقاله را می‌توان با رویکرد لغوی و مفهومی تعریف و توصیف کرد.

آقامهدوی و اکبری (۱۳۹۱) در بخش نخست مقاله خود به نقد و بررسی مباحث مفهومی آیه نفی سبیل می‌پردازند. در ادامه برای حکومت و جامعه اسلامی سه طرح و استراتژی در سیاست خارجی مطرح می‌کنند که کدام‌یک با مبانی آیه نفی سبیل مطابقت دارد و قابلیت اجرایی را دارد. این سه استراتژی عبارتند از: سیاست اتحاد و ائتلاف، سیاست عدم تعهد و بی‌طرفی، و سیاست انزوای طلبی.

۲-۱. ادبیات پژوهش پیرامون محور مقاومت

بهروز (۱۳۹۸) میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب‌الله را براساس تئوری خود بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته که این انقلاب، بیشترین تأثیرگذاری را بر حزب‌الله داشته و نوآوری فرهنگی آن به صورت کامل به آن جنبش مستقل و در بیان اعضای آن پخش شده است. این نوآوری عبارتند از اسلام سیاسی، اندیشه حکومت دینی (نظریه ولایت فقیه)، فرهنگ جهاد و مقاومت و شهادت‌طلبی، محوریت روحانیت در مبارزات و قرار گرفتن مساجد به عنوان کانون مبارزات؛ و همین عوامل سبب بیشترین وجوه اشتراک با انقلاب اسلامی ایران شده است. البته در عین حال موانع مختلفی همچون اختلاف فقهی، مذهبی و طایفه‌ای دو کشور و دشمنی نیروهای خارجی و تلاش آنها جهت ایجاد اختلاف را می‌توان خلاصه کرد.

مسعودنیا و قربانی (۱۳۹۵) در مقاله حاضر درصدد تحصیل و توضیح روند تأثیرگذاری ج.ا.ایران بر گروه جهاد اسلامی فلسطین از آغاز شکل‌گیری تا دوران سازندگی را بر عهده دارند. آنها با بیان شواهد و اسناد موجود در مقاله تأثیرپذیری این گروه در دوران مختلف را مطرح کرده‌اند. دولت هاشمی رفسنجانی و دولت اصلاحات

خاتمی هریک به نحوی تأثیری خاص بر این گروه گذاشته و سیاست‌های خارجی دولت‌های مذکور در الگوپذیری این گروه تأثیرگذار بوده است. بیانات رهبر انقلاب پیرامون فلسطین در این دوران از دیگر موارد مهم در شکل‌گیری اندیشه مبارزاتی گروه جهاد اسلامی بوده که در متن مقاله به آن اشاره شده است.

سادات (۱۳۹۴) در مقاله خود، به فلسفه حمایت ج.ا.ایران از جنبش جهاد اسلامی پرداخته که چطور در این سال‌های متمادی ایران در زمینه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی با ارسال و ارائه تکنولوژی ساخت موشک فجر ۵، و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای سالیانه در حمایت از فلسطین، این هزینه‌ها را متحمل شده است. نویسنده با بیان گفتمان مشترک ج.ا.ایران و جنبش جهاد اسلامی براساس محورهای اسلام‌گرایی، صهیونیسم‌ستیزی و مقاومت، بیان کرده که این موارد از جمله دلایل اصلی روابط و تعامل ایران و گروه جهاد اسلامی است. لذا این گروه با تمسک به گفتمان مشترک در صدد مبارزه با رژیم صهیونیستی برآمده و توانست براساس این چارچوب سالیان متمادی در عرصه جهاد و مبارزه قرار گرفته و در بحران‌های داخلی و خارجی که می‌توانست آنها را نسبت به اندیشه مبارزه دلسرد کند، مقاومت کرد و تاکنون در این عرصه به مقابله با شرارت‌های رژیم پردازد.

گلشنی و احمدی (۱۳۹۱) در مقاله خود به دنبال تبیین جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی ایران بوده و سعی در اثبات این دارند که نتایج حمایت ایران از حزب‌الله موجب شکست بازدارندگی اسرائیل و کاهش امنیت اسرائیل و افزایش عمق استراتژیک ایران که منجر به کاهش احتمال هرگونه تهاجم نظامی علیه ایران می‌شود را تبیین کنند. شواهد این مطلب جنگ‌های لبنان و اسرائیل در سال‌های اخیر بوده که شکست اسرائیل حاصل این حمایت‌ها بوده است.

بنابر مقاله آقایی و رسولی (۱۳۸۸)، روابط ایران و اسرائیل نسبت به قبل و بعد از انقلاب دستخوش تغییر اساسی شده است؛ به نحوی که تا قبل از انقلاب همکاری همه‌جانبه در تمام سطوح داشته و در سطح بالایی قرار داشته است، اما بعد از انقلاب این روابط به کلی قطع شده و حالت منازعه به خود گرفته است. پژوهش حاضر در صدد این

است که بیان کند کدام نظریه بهتر می‌تواند این تغییر در سیاست خارجی را تبیین کند. نویسنده با محوریت نظریه سازه‌انگاری روابط بین‌الملل در صدد بیان جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور و شکل‌گیری منافع آنهاست. لذا نویسنده با پیروی از آموزه‌های سازه‌انگاران با تأکید بر هویت و تأثیر عوامل فرهنگی در شکل‌گیری منافع و تصویر دولت‌ها از یکدیگر، جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل در قالب همین ادبیات تبیین شده است.

با توجه به پیشینه مطرح‌شده، پژوهش حاضر در صدد آن است که با نگاهی جامع به قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت، مبانی این قاعده را بررسی کرده و جایگاه و تأثیر این قاعده را در عملکرد ایران در قبال محور مقاومت تبیین کرده و توضیح دهد. بی‌شک سیاست خارجی ج.ا.ایران متأثر از مبانی و اصول اساسی فقهی بوده که یکی از آنها قاعده نفی سبیل است. لذا ثمره این مقاله تبیین شرعی و فقهی عملکرد ج.ا.ایران نسبت به محور مقاومت است.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. قاعده نفی سبیل

قاعده‌ای فقهی است که هرگونه برتری و تسلط کفار و مشرکان بر مسلمانان را در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی را منتفی دانسته و آنها را جایز نمی‌داند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

۲-۲. روابط بین‌الملل

روابط بین‌الملل، مجموعه فراگردهای دادوستد و تعامل در عرصه‌های مختلف میان واحدهای سیاسی مستقل در عرصه جهانی است. فراگرد ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پویایی، آغاز و پایان نداشتن و کنش مقابل و تأثیرپذیری از یکدیگر. این ویژگی مربوط به ارتباط است (قوم، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

۲-۳. فقه روابط بین الملل

دانشی فقهی در عرصه روابط بین الملل است که با تأکید بر الگوی اجتهاد به ارائه و تنظیم دو دسته از گزاره‌های ارزشی و بینشی در راستای زندگی مؤمنانه می‌پردازد. با توجه به تعریف مذکور، تفاوت این دانش با دانش روابط بین الملل واضح می‌شود. این دانش در الگوی روشی خود، هم در گزاره‌های تولیدی و هم در هدف و غایت خود با دانش روابط بین الملل متفاوت است؛ زیرا در تمام این موارد رضایت و خشنودی خداوند متعال (به‌عنوان خالق و رب جهان هستی) به‌عنوان گزاره اصیل و غیرقابل تغییر مورد توجه قرار دارد (میراحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

۲-۴. سیاست خارجی

دنبال کردن منافع کشور در سطوح بین‌المللی و در رابطه با دولت‌ها، جوامع و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آنها را در بر می‌گیرد (آشوری، ۱۳۵۴، ص ۱۴۸).

۳. مبانی نظری

۳-۱. قاعده نفی سبیل

منظور از قاعده نفی سبیل این است که خداوند در امور تشریحی، حکم و دستوری که اجرای آن مستلزم تسلط و برتری کافران و مشرکان بر مسلمانان شود، را قرار نداده است. فلذا هرگونه حکم و امری که انجام آن موجب برتری و تسلط کفار بر جامعه مسلمین شود، مشروع نبوده و به‌اقتضای دلالت این قاعده نباید به آن عمل کرد؛ مثلاً زمانی که انجام معامله و قراردادی با کافری یا در اختیار گذاشتن منصب و مقامی برای مشرکی، مستلزم نفوذ و سلطه بیگانگان بر مسلمانان شود. انجام این معامله و قرارداد این منصب، ممنوع بوده و جایز نخواهد بود (بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۷). با توجه به عدم مشروعیت این دسته از احکام، تبعیت از آنها نمی‌تواند برای مسلمانان تکلیف‌آور باشد.

از مفاد قاعده نفی سیبیل این نکات قابل استنباط است:

۱. مدلول قاعده نفی سیبیل، نفی و نهی هرگونه ارتباط و تعامل با کفار نیست، بلکه مضمون قاعده این است که ارتباط تسلط محور کفار بر مسلمین مردود شمرده شده است. بنابراین مسلمین می‌توانند در حوزه‌های مختلف با کفار یا کشورهای غیراسلامی ارتباط و تعامل داشته باشند.

این مطلب یادآور این نکته است که چنانچه نگرش افراط‌گونه به این مسئله داشته و تمام ارتباطات و تعاملات با سایر کشورها را ممنوع بدانیم، جامعه اسلامی به انزوای رفته و نمی‌تواند از فرصت‌های ارتباطی سایر کشورها جهت پیشبرد اهداف خود بهره‌مند شود.

۲. قاعده نفی سیبیل در هر دو امر تکلیفی و وضعی جاری می‌شود. به بیان دیگر، اگر حکم و دستوری جعل شود که موجب تسلط کفار و مشرکان بر مسلمانان شود، نه تنها این حکم باطل بوده و اثری بر آن مترتب نخواهد شد (حکم وضعی)، بلکه دارای عقوبت اخروی بوده و سزاوار مجازات و عقاب از طرف خداوند متعال خواهد بود.

۳. شمولیت قاعده نفی سیبیل، تمام فردفرد مسلمانان (حیطه شخصی) و جامعه اسلامی (حیطه اجتماعی) را در بر می‌گیرد. در واقع اگر حکم و دستوری موجب تسلط کافر بر مسلمانان شود، جایز نیست، اگرچه در حیطه اجتماعی بر جامعه اسلامی اثرگذار نباشد. فلذا فرد مسلمان و جامعه اسلامی در هیچ حالتی نباید مورد تسلط کفار و مشرکان قرار بگیرد (علیدوست، ۱۳۸۱، ص ۷).

۴. قاعده نفی سیبیل نسبت به تمام اقوام و ملیت‌های مسلمان حاکم بوده و به‌عنوان اصل اساسی مطرح می‌شود. فلذا اگر مسلمانان کشوری شاهد تسلط و نفوذ کفار بر مسلمانان کشور دیگری باشند، نباید سکوت کرده و می‌بایست با تمسک به هر ابزاری جلوی این کار را بگیرند؛ چراکه طبق قاعده نفی سیبیل هر مسلمانی تحت هیچ شرایطی نباید زیردست کفار و مشرکان قرار بگیرد.

۵. از جمله مسائل مهم قاعده نفی سیبیل، تشخیص و تعیین فرد یا نهادی است که مسئولیت تشخیص و تبیین سیبیل و سلطه را بر عهده دارد. در واقع می‌بایست این مسئله مورد بررسی قرار بگیرد که چه کسی یا چه نهاد و مجموعه‌ای باید متکفل بیان این امر

باشد که اجرای فلان قرارداد یا معاهده یا ارتباط با کفار و مشرکان در سطح خاص و یا تعامل‌های نظامی و فرهنگی با آنها مصداق نفوذ کفار بر مسلمین و راهی برای تسلط آنها بر جوامع اسلامی است. این مسئله به قدری مهم است که اگر ما به درستی مرجع تشخیص را انتخاب و معرفی نکنیم، قطعاً دچار چالش و مشکلات زیادی در ارتباطات خود با دیگر ملت‌ها و کشورها خواهیم شد. فرضیه‌هایی که در آغاز می‌توان به‌عنوان پاسخ به این پرسش مطرح کرد، به شرح ذیل است:

الف. حاکم شرع و ولی فقیه

ب. مرجع تقلید برای مقلدان

ج. عرف عام (مردم)

د. عرف خاص (کارشناسان)

ه. شخص مکلف و کسانی که طرف قرارداد بوده و ارتباط به‌وسیله آنها انجام

می‌شود.

با توجه به پرسش مورد بحث، فرضیه مرجعیت عرف عام قابل قبول نیست، زیرا شأن عرف عام صرفاً در تفسیر ادله شرعی و تبیین مفاهیم واژه‌ها بوده و تنها در این موارد به‌عنوان مرجع تشخیص محسوب می‌شود. لذا در تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق نمی‌تواند رفع تحیر کند. در واقع تنها زمانی عرف می‌تواند معیار باشد که در خطابات شرعیه، نسبت به مفاهیم ابهام وجود داشته و نتوان مراد و مقصود شارع را تشخیص داد. فلذا در آیه نفی سبیل، مراد و مفهوم سبیل آن چیزی است که عرف می‌فهمد، اما اینکه بتواند مورد و مصداقی در خارج را تحت عنوان آیه نفی سبیل قرار بدهد، ناتوان است.

فرضیه دوم (مرجعیت مجتهد برای مقلدان) نیز فاقد ارزش و اعتبار است؛ چراکه شأن فقیه و مجتهد صرفاً تبیین حکم موضوعات است که بتواند آنها را از ادله اربعه استنباط کند و تعیین مصداق بر عهده او نیست؛ فلذا مجتهد صرفاً در مقام پیام احکام مسئله بوده و از تعیین موضوع خودداری می‌کند.

پیرامون فرضیه‌های دیگر (حاکم شرع، شخص مکلف یا طرف قرارداد) باید گفت که هر فرد یا مجموعه‌ای که مسئولیت انجام قرارداد با دولت‌ها و ملت‌های بیگانه را بر

عهده دارد یا مسئولیت سپردن پست و مقام و واگذاری آنها عهده‌دار است، باید به این اطمینان برسد که کفار در این امر تسلط و نفوذی بر جامعه اسلامی پیدا نکنند. لذا برای احراز این اطمینان باید به عرف خاص مراجعه کرده و نظر تخصصی و کارشناسی آنها خواسته شود؛ چراکه این گروه به‌عنوان کسانی که دانش لازم و کافی را دارا هستند، به‌عنوان عرف معتبر هستند.

در نظام ولایی که رهبری با فقیه جامع‌الشرایط بوده و ایشان عهده‌دار اداره نظام است و مسئولیت کارها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم متوجه ایشان است، نیز عرف خاص به‌عنوان بازوی دانشی و قضاوت وی محسوب شده و نظر این کارشناسان همان نظر فقیه خواهد بود.

بنابراین نتیجه بحث اینگونه خواهد بود که مرجع در تشخیص اینکه قرارداد یا معامله‌ای مصادق استیلائی کفار بر مسلمانان است، شخص ولی فقیه (حاکم اسلامی) است؛ اگرچه در رسیدن به این قطع و اطمینان در تشخیص از عرف خاص نیز بهره برده باشد.

۲-۳. فلسفه حمایت از محور مقاومت از منظر رهبر معظم انقلاب

رهبر انقلاب به‌عنوان فقیه جامع‌الشرایط و حاکم اسلامی با بیان موارد و مصادیق قاعده نفی سبیل، شأن و جایگاه این اصل را در سیاست خارجی ج.ا.ایران به‌طور مفصل در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود بیان کرده‌اند. ایشان مسئله حضور و حمایت ج.ا.ایران از محور مقاومت را در زمان‌های مختلف متذکر شده و در هر مقطع زمانی نسبت به این مسئله روشنگری داشته‌اند. در این قسمت با تمرکز بر سخنان ایشان سعی شده است رابطه و تأثیر قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ایران در حمایت از محور مقاومت مشخص شده و دیدگاه ایشان به‌واسطه قاعده مذکور مدلل شود.

۱-۲-۳. ماهیت قاعده نفی سبیل در مبارزه با دشمنان

مسئله این است که جمهوری اسلامی یک نفی با خود دارد و یک اثبات. نفی

استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحه‌گری، مواردی است که جمهوری اسلامی آنها را نفی می‌کند. چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، و تلاش برای دستیابی به قله‌های دانش.

رهبر انقلاب قطع رابطه و همکاری ایران با کشورهایی همچون آمریکا و اسرائیل را نتیجه رفتارها و سیاست‌های استکباری این کشورها دانسته، سیاست‌های دخالت در محور مقاومت و مبارزه با منافع و سیاست‌های این کشورها را مبارزه با استکبار و مظاهر آنها می‌داند.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، مبنا و اصل سخنان ایشان ناظر به قاعده نفی سبیل بوده و نتیجه حرکت سیاست‌های نظام در راستای عمل به آیه شریفه «لا یظلمون ولا یظلمون» است. با استنباط از سخن رهبر انقلاب می‌توان علل مخالفت و دشمنی ایران با کشورهای نظیر آمریکا و اسرائیل و حضور حمایت ایران از محور مقاومت را استنباط کرد (صلح‌میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶).

۲-۲-۲. حمایت از مبارزان محور مقاومت مصداق مبارزه با تسلط و نفوذ کفار و مشرکان

پیرامون مبارزه با استکبار و مستکبر، آیات فراوانی نازل شده که همگی شاهد بر مذمت رفتار آنهاست. قرآن کریم در توصیف مستکبران می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا تُفُورًا (۴۲) اَشْتَكَبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (فاطر، ۴۲-۴۳)؛ یعنی در مقابل پیامبر و حرف حق استکبار ورزیده‌اند. نگفته‌اند ما بالاتریم، بلکه این بالاتر بودن را، این بیشترین حق داشتن یا برای خود حق بیشتری قائل بودن را، در عمل سازماندهی کرده‌اند؛ یعنی همان جنگ‌های طولانی جبهه کفر و عناد با جبهه حق، معنویت، نور و هدایت؛ استکبار یعنی این.

ظلم و جنایت رژیم صهیونیستی در کشتار مردم مظلوم فلسطین و لبنان چندین دهه ادامه داشته و این رژیم با حمایت آمریکا و حکام کشورهای عربی این ظلم و استکبار را

در مناطق و کشورهای مختلف خصوصاً محور مقاومت (لبنان، عراق، سوریه، یمن و ایران) اعمال کرده است. جنگ‌های متعددی که تاریخ صرفاً به ثبت مهم‌ترین آنها پرداخته، آمار و کشتارهای جمعی که با سلاح‌های مختلف توسط رژیم صهیونیستی اجرا شده است، جای تأمل دارد (صلح‌میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۲۷۳).

۳-۲-۳. وجوب حمایت مالی از محور مقاومت در راستای تقویت جبهه اسلام

مسئله فلسطین، همان‌طور که گفتم، یک مسئله انسانی و یک مسئله اسلامی است. مسئله انسانی است، برای خاطر اینکه یک مشت جنایتکار ضد بشر در این منطقه جمع شده‌اند و جز جنایت و جز تجاوز و جز سلطه‌گری هیچ کاری ندارند. جز توطئه‌چینی علیه ملت‌ها و دولت‌های انقلابی. امروز هم به دشمنان ما دارند کمک می‌کنند، امروز هم دارند به آن کسانی که مرزهایشان با ما مشترک است و علیه ما توطئه می‌چینند، به آنها دارند کمک می‌کنند. آنها پایگاه توطئه‌گری آمریکایند علیه ایران و انقلاب ایران در این منطقه. به علاوه مسئله فلسطین - برادران و خواهران - برای ما یک مسئله اسلامی است. اسلام بر ما لازم کرده است که ما از سرزمین مسلمان‌نشین دفاع کنیم، بر ما واجب کرده است که ما به کمک مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان برسیم، برای ما لازم کرده است که ما به مال و به جان، از مردمی که سی سال فریاد می‌کشند یا للمسلمین، و کسی به آنها جواب نمی‌دهد، به کمک اینها بشتابیم. (صلح‌میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۲۸۹).

۳-۲-۴. علت دشمنی با ج.ا.ایران: مبارزه با جبهه کفر

مشکل اصلی آمریکا و اسرائیل با ایران، مخالفت با طرح‌های ذلت‌بار سازش است. برادران و خواهران! علت اساسی فشارهای همه‌جانبه‌ای که استکبار جهانی (در رأس آنها رژیم آمریکا) به ایران وارد می‌کند، حمایت ما از فلسطین است. آنها در اظهارات صریح‌تری گفته‌اند که مشکل اصلی آمریکا با ایران، مخالفت ج.ا.ایران با طرح‌های ذلت‌بار سازش در فلسطین است، و بقیه امور نظیر ادعاهای مضحک نقض حقوق بشر و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، بهانه‌ای بیش نیست؛ و اگر ایران دست از حمایت خود

از مبارزین و مردم لبنان و فلسطین بردارد، آنها دست از روش خصمانه خویش علیه ایران برمی‌دارند.

ما به آنها جواب رد داده‌ایم و حمایت از مردم فلسطین و لبنان را از وظایف مهم اسلامی خویش می‌دانیم. لذا آنان از هر سو فشارهای خود را وارد می‌کنند. هرچه دامنه مبارزات لبنان و فلسطین گسترده‌تر می‌شود، آشفتگی و عصبانیت صهیونیسم و آمریکا از نظام جمهوری اسلامی بیشتر و توطئه آنها گسترده‌تر می‌گردد. مردم مسلمان ایران یکپارچه از آرمان‌های انقلاب و اسلام حمایت می‌کنند و حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی ج.ا.ایران است (صلح‌میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۶).

۲-۵. حمایت از جبهه مقاومت، وظیفه تمام مسلمانان

کمک همه‌جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفایی بر همه مسلمانان است. دولت‌هایی که به ج.ا.ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان به‌خاطر کمک به فلسطین خرده می‌گیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به‌جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه دیگران باشند.

حمایت مالی یکی از راه‌های کمک است و راه بسیار مؤثری است. ملت‌ها کمک‌های مالی بکنند. همان‌طور که در نماز جمعه به مردمان خودمان و دیگر ملت‌ها عرض کردیم، باید کمک کنند. باید از این مردم مظلومی که از وطن خود، از دین خود، از بیت‌المقدس و از هویت یک جامعه اسلامی دفاع می‌کنند و می‌خواهند تداوم نفوذ استکبار را در این منطقه قطع کنند دفاع کرد. دولت‌هایی هم که همسایه فلسطین‌اند، همچنین نیروهای مردمی و مقاومت و دیگران باید دفاع کنند و دفاع هم می‌کنند. هر کس بتواند به آنها کمک کند، باید این کار را بکند؛ این وظیفه همه است (صلح‌میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۳۵۷).

مسئله فلسطین، مسئله اول بین المللی اسلام است. امروزه که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش برده است، بزرگترین وظیفه ملت و دولت ما و همه ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه کن ساخت و جهان اسلام را از خطر مهلک آن نجات داد (صلح میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۸).

نتیجه‌گیری

احکام و قوانین دین اسلام پیوسته ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی انسان را در بر گرفته و هریک به نیازهای انسان به‌طور کامل و جامع پاسخگو است. اگرچه این اصول و قوانین با پیشینه و سابقه چهارده قرن ابلاغ و تبیین شده است، اما همچنان می‌تواند شکوفایی و کارکرد خود را در ابعاد مختلف زندگی انسانی داشته باشد. قاعده نفی سبیل به‌عنوان یکی از مبانی و اصول مهم و کاربردی است که ظرفیت و کاربست آن در سطح خرد و کلان را داشته و می‌تواند در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، مصلحت و منفعت جامعه اسلامی را تضمین و حفظ کند.

این قاعده اگرچه در صدر اسلام صرفاً در چند فرع فقهی محدود مورد توجه قرار می‌گرفت، اما در عصر کنونی فقیهان و اندیشمندان پیوسته به این قاعده استناد کرده و از آن استفاده می‌کنند. عرصه روابط بین الملل و همکاری و تعامل ج.ا.ایران با کشورها و ملت‌های دیگر، یکی از مسائل مهم محسوب شده و دین اسلام با ترسیم و تبیین چارچوب منظم و دقیق، درصدد چارچوب‌بندی رفتار حاکمان و سیاستمداران خود طبق این اصول و مبانی است.

مبانی قاعده نفی سبیل ما را بر این مسئله رهنمود می‌کند که دفاع از هر ملتی که در حیطه اسلام قرار گرفته است، وظیفه و هدف هر دولت اسلامی بوده و می‌بایست به این

مسئله اهتمام داشته باشند.

از آنجا که تشخیص سیل، سلطه و نفوذ کفار طبق مباحث مطرح شده توسط مجتهد جامع‌الشرایط (ولی فقیه و حاکم اسلامی البته با بهره‌مندی از نظر کارشناسان) صورت می‌گیرد، در زمان حاضر این امر به صورت متناوب توسط رهبر معظم انقلاب مورد توجه قرار گرفته است که جبهه مقاومت پیوسته باید مورد حمایت قرار گرفته و این امر به عنوان یک وظیفه بر عهده هر مسلمانی است. ایشان با بیان این مطلب که حمایت از جبهه مقاومت، در واقع حمایت از ج.ا.ایران است، سعی در تبیین و توضیح عملکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال محور مقاومت داشته‌اند تا شبهات و اشکالات دشمنان را خنثی کرده و این مسئله را به صورت یک امر عقلانی تعریف کنند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

آقایی، سید داوود؛ رسولی، الهام. (۱۳۸۸). «سازهانگاری و سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، ۲۱ (۱)، صص ۶-۱۱.

آقامهدوی، اصغر؛ اکبری، محمود. (۱۳۹۱). «رابطه قاعده نفی سیل با استراتژی‌های مطرح در سیاست خارجی (با تکیه بر قاعده نفی سیل)»، فصلنامه بررسی حقوق عمومی، ۱، صص ۳-۱۰.

آشوری، داریوش. (۱۳۵۴). فرهنگ سیاسی (چاپ هشتم). تهران: مروارید.

بجنوردی، محمدحسن. (۱۳۸۶). القواعد الفقهیه (محقق: محمد مهدی مهریزی، ج ۱). قم: نشر الهادی.

بهرروز، صمد. (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های تأثیرگذاری حداکثری انقلاب اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸ (۲۸)، صص ۱۳-۱۹.

جمعی از مؤلفان، (۱۳۹۰ش)، فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حسینی، سید علیرضا؛ ناظری، محمدرضا. (۱۳۹۵). «تأثیر قاعده نفی سیل بر روابط بین‌الملل مسلمانان»، فصلنامه معارف فقه علوی، ۳، صص ۴-۱۲.

ذوالفقاری، محمد. (۱۳۹۱). «فقه حکومتی؛ چستی چرایی چگونگی»، فصلنامه معرفت سیاسی ۱، صص ۴-۶.

سادات، سید احمد. (۱۳۹۴). «روابط ج.ا.ایران با جنبش‌های مقاومت فلسطین (تأکید بر جهاد اسلامی)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴ (۱۶)، صص ۹-۱۳.

صلح میرزایی، سعید. (۱۳۹۸). فلسطین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: نشر انقلاب اسلامی (چاپ الکترونیکی).

- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). «قاعده نفی سبیل»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۶.
- فرهنگ دلیر، مهدی. (۱۳۹۷). «تبیین قاعده نفی سبیل بر وجوب مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، دوماهنامه اقتصاد پنهان، شماره ۱۰، صص ۱۰-۱۵.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۶). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل (چاپ دوم). تهران: سمت.
- کرم‌زاده، سیامک؛ فیض، زهرا. (۱۳۹۸). «قاعده نفی سبیل و الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تروریسم»، فصلنامه تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲، صص ۸-۱۸.
- گلشنی، علیرضا؛ احمدی، محسن. (۱۳۹۱). «جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی ج.ا.ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۱، صص ۱۸-۲۶.
- مسعودنیا، حسن؛ قربانی، سعید. (۱۳۹۵). «تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی در فلسطین»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۳۷، صص ۱۱-۱۴.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۹۲). «فقه روابط بین‌الملل»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴، صص ۵-۱۰.

References

* The Holy Quran

- A Group of Authors. (2011). *Dictionary of Usul al-Fiqh*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Aghaei, S. D., & Rasouli, E. (2009). "Constructivism and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Towards Israel," *Journal of Politics*, 21(1), 6-11. [In Persian]
- Alidoust, A. (2002). "The Rule of *Nafy al-Sabil*," *Articles and Reviews Journal*, 76. [In Persian]
- Aqa-Mahdavi, A., & Akbari, M. (2012). "The Relationship Between the Rule of *Nafy al-Sabil* and Strategies in Foreign Policy (With Emphasis on the Rule of *Nafy al-Sabil*)," *Public Law Review Quarterly*, 1, 3-10. [In Persian]
- Ashouri, D. (1975). *Political Dictionary* (8th ed.). Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Behrouz, S. (2019). "The Maximum Influence of the Islamic Revolution of Iran on Hezbollah in Lebanon," *Islamic Revolution Studies*, 8(28), 13-19. [In Persian]
- Bojnourdi, M. H. (2007). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyya* (M. M. Mehrizi, Ed., Vol. 1). Qom: Nashr al-Hadi. [In Persian]
- Farhang-Dalir, M. (2018). "Explaining the Rule of *Nafy al-Sabil* on the Obligation to Combat Goods and Currency Smuggling," *Hidden Economy*, 10, 10-15. [In Persian]
- Ghavam, A. (2007). *Principles of Foreign Policy and International Politics* (2nd ed.). Tehran: SAMT. [In Persian]
- Golshani, A., & Ahmadi, M. (2012). "The Role of Hezbollah in Lebanon in the Deterrence Strategy of the Islamic Republic of Iran," *Journal of Political and International Research*, 11, 18-26. [In Persian]
- Hosseini, S. A., & Nazari, M. R. (2016). "The Impact of the Rule of *Nafy al-Sabil* on International Relations Among Muslims," *Alawi Jurisprudence Studies Quarterly*, 3, 4-12. [In Persian]
- Karamzadeh, S., & Feyz, Z. (2019). "The Rule of *Nafy al-Sabil* and Iran's Accession

- to the Convention on Combating Terrorism," *Comparative Journal of Islamic and Western Law*, 2, 8-18. [In Persian]
- Masoudnia, H., & Ghorbani, S. (2016). "The Impact of the Islamic Republic of Iran on the Formation of the Islamic Jihad Group in Palestine," *Specialized Journal of Political Science*, 37, 11-14. [In Persian]
- Mirahmadi, M. (2013). "Fiqh of International Relations," *Journal of Islamic Policy Research*, 4, 5-10. [In Persian]
- Sadat, S. A. (2015). "The Relationship Between the Islamic Republic of Iran and Palestinian Resistance Movements (With Emphasis on Islamic Jihad)," *Islamic World Political Studies Quarterly*, 4(16), 9-13. [In Persian]
- Solh-Mirzaei, S. (2019). *Palestine from the Perspective of Ayatollah Khamenei*. Tehran: Islamic Revolution Publications (Electronic Edition). [In Persian]
- Zolfaghari, M. (2012). "Governmental Fiqh: Definition, Justification, and Methodology," *Political Knowledge*, 1, 4-6. [In Persian]